

حق بر مقاومت و مبارزه مسلحانه در برابر اشغال و ارتباط آن با حق تعیین سرنوشت (با تأکید بر تحولات نوار غزه)

محمد رضا حسینی^۱، علی حسینی^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

چکیده

در حقوق بین‌الملل، «حق بر مقاومت» ارتباط تنگاتنگی با «حق تعیین سرنوشت» و «حقوق اشغال سرزمین» دارد. حق تعیین سرنوشت مردم از طریق مبارزه با سلطه استعمار، اشغال سرزمین و رژیم‌های نژادپرست عینیت می‌یابد. از طرف دیگر، «حق مقاومت» یک حق بشری و حق ذاتی دفاع از خود در برابر تجاوز و اشغال نظامی است که ریشه در مذهب، فلسفه و تاریخ دارد. در دوران کنونی، «حق مقاومت در برابر اشغال، انقیاد، سلطه و استثمار بیگانگان» توسط منشور ملل متحد و در قطعنامه‌های مختلف مجمع عمومی سازمان ملل به رسمیت شناخته شده است. تحقیق حاضر که با رویکرد کیفی و با روش توصیفی انجام شده، در پی این پرسش است که: حق بر مقاومت در برابر اشغال چه رابطه‌ای با حق تعیین سرنوشت دارد و استیفای این حقوق در سرزمین‌های اشغالی فلسطین چگونه مصداق پیدا می‌کند؟ نتایج این تحقیق نشان می‌دهد قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل متحد، رویه قضایی بین‌المللی و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، مردم تحت اشغال حق دارند برای تعیین سرنوشت خود با تمام ابزارهایی که در اختیار دارند، از جمله توسل به سلاح در قالب حق بر مقاومت مبارزه کنند، بنابراین گروه‌های مقاومت و جنبش‌های آزادی‌بخش به نمایندگی از مردم تحت اشغال در فلسطین (کرانه باختری رود اردن و نوار غزه)، حق دارند در چارچوب حقوق اشغال و حقوق بشردوستانه بین‌المللی علیه رژیم غاصب صهیونیستی از نیروی نظامی استفاده نمایند؛ اما در مقابل، این رژیم به‌عنوان قدرت اشغالگر صرفاً تکالیف حمایتی بر دوش دارد و در برابر اقدامات مسلحانه جنبش‌های آزادی‌بخش از حق دفاع مشروع برخوردار نیست.

واژگان کلیدی: حق بر مقاومت مسلحانه، حق تعیین سرنوشت، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، حقوق ناظر بر اشغال، جنبش‌های آزادی‌بخش.

۱. استاد تمام حقوق بین‌الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول)

Rezahsn88@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق و قاضی دادگستری *Hosseiniali123@gmail.com*

۱. مقدمه

حقوق بین‌الملل از قرن نوزدهم میلادی مقرراتی را برای کنترل رفتار قوای اشغالگر تنظیم کرد. این مقررات از طریق تدوین دستورالعمل‌هایی برای نظامیان، تنظیم معاهدات چندجانبه، رویه و تصمیم‌های قضایی صورت گرفت. حقوق بین‌الملل در موضوع حقوق جنگ و مناصمات مسلحانه، مقررات درباره اشغال سرزمین را با توجه به آثار واقعی اشغال بر حاکمیت کشورها و نیازها و ضرورت‌های نظامی تنظیم کرده است. در نتیجه، دکنترین اشغال، اجرای اقتدار دولت اشغالگر را در سرزمین دولت حاکمه تحت اشغال ممکن می‌سازد (سیاه رستمی، ۱۳۹۸: ۴۳۹).

سلطه و اشغال نظامی در همه اشکال از جمله آپارتاید و سایر اشکال نژادپرستی، برخلاف منشور ملل متحد است و مانع صلح بین‌المللی می‌شود. این موضوع در اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد اعطای استقلال به کشورهای استعماری و مردم^۱، و همچنین در بیانیه اصول روابط دوستانه و در قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی سازمان ملل نیز مورد تأیید قرار گرفت.^۲ انکار حق تعیین سرنوشت مردم، ناگزیر باعث ایجاد نارضایتی در میان مردم تحت سلطه می‌شود و در نهایت محیطی مستعد درگیری را حفظ می‌کند که ممکن است صلح و امنیت را تهدید کند.

در قطعنامه ۳۱۰۳ (۱۹۷۳) مجمع عمومی مجدداً تأکید کرد: «تداوم استعمار در تمام اشکال و مظاهر آن همان‌طور که در قطعنامه ۲۶۲۱ مجمع عمومی در ۱۲ اکتبر ۱۹۷۰ ذکر شده، جرم است.»^۳ در بیانیه روابط دوستانه، کشورها تأیید کردند؛ «هر کشوری موظف است از هرگونه اقدام قهری که مردمی را که در تشریح اصول حقوق برابر و تعیین

1. The Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples. UN Doc. A/RES/1514 (XV) (14 December 1960).

2. UNGA, Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Cooperation among States (24 October 1970) UN Doc. A/RES/2625) XXV.

3. UNGA Res. 3103 (XXVIII) (1973).

سرنوشت خود به آنها اشاره شده است، از حق تعیین سرنوشت و آزادی و استقلال محروم کند، خودداری کند.^۱

نوار غزه یکی از متراکم‌ترین سرزمین‌ها از نظر جمعیت در دنیا به‌شمار می‌رود و رژیم صهیونیستی مدت‌هاست آن را به اشغال خود درآورده است. این رژیم با اعمال قوانین نظامی، این منطقه را اداره می‌کند. در دسامبر ۲۰۰۵م. نیروهای مسلح رژیم صهیونیستی به حضور فیزیکی نظامی خود در این سرزمین پایان دادند و به خارج از مرزهای نوار غزه عقب‌نشینی کردند. اما همچنان مرزهای زمینی، حریم هوایی و دریایی غزه را کنترل و بر آن نظارت می‌کند. این رژیم در سال ۲۰۰۷م. با پیروزی حماس در نوار غزه در انتخاباتی دموکراتیک و آزاد، با انتشار بیانیه‌ای غزه را سرزمینی متخاصم نامید و پیرو آن محدودیت‌هایی را بر ورود و خروج کالا به‌ویژه سوخت و برق غزه تحمیل کرد. به دلیل وابستگی کامل اقتصادی غزه به این رژیم که بر اثر اشغال طولانی‌مدت و عدم توسعه نوار غزه از سوی رژیم صهیونیستی به وجود آمده است، صرفاً خود را متعهد به تأمین نیازهای اولیه انسانی، آن‌هم تا حدی که مورد نیاز است، می‌داند.

با دقت در اسناد بین‌المللی مشخص می‌شود که حقوق اشغال در قواعد منضم به کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه که راجع به حقوق و عرف‌های جنگ زمینی است^۲ و کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ در خصوص حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ^۳ و نیز حقوق بشردوستانه بین‌المللی به نظم درآمده است. همچنین در این اسناد معیارهایی همچون حضور نظامی نیروهای متخاصم در سرزمین اشغال‌شده، اعمال حاکمیت و توانایی اعمال آن و ناتوانی دولت پیشین در اعمال حاکمیت و اقتدار سرزمینی خود در تحقق وضعیت اشغال مؤثر قلمداد شده است. ولی آنچه در میان این معیارها مغفول واقع شده،

1. UNGA Resolution 2625(XXV) (1970), 24 October 1970, UN Doc. A/RES/2625(XXV).

2. Hague Convention (II) with Respect to the Law and Customs of War on Land, 1899. Hague Convention (IV) Respecting the Laws and Customs of War on Land, 1907.

3. Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, 1949.

معیار «کنترل مؤثر» است که در هیچ‌کدام از اسناد به‌صراحت بیان نشده است.^۱ در این خصوص، ماده ۴۳ کنوانسیون چهارم لاهه چنین اشعار می‌دارد:

«پس از منتقل شدن اقتدار قدرت مشروع به دست اشغالگر، دولت اشغالگر باید تمام اقدامات موجود خود را جهت بازگرداندن و تضمین تا حد ممکن نظم عمومی و امنیت را اتخاذ کند در عین حالی که قوانین لازم‌الاجرای کشور اشغال‌شده را مراعات نماید، مگر در صورتی که مطلقاً امکان اجرا وجود نداشته باشد.»^۲

استدلال‌هایی برای «حق بر مقاومت در برابر اشغال» بر اساس حقوق و موازین بین‌المللی وجود دارد. این پژوهش به تحلیل عمیق این پرسش‌ها می‌پردازد؛

- (۱) مفهوم «حق بر مقاومت» در چه اسناد بین‌المللی منعکس شده است؟
- (۲) میان «حق بر مقاومت» و «حق تعیین سرنوشت ملت‌ها» چه رابطه‌ای وجود دارد؟ و آیا استیفای دو حق مذکور در نوار غزه مصداق پیدا می‌کند؟
- (۳) آیا بر اساس اسناد حقوق بین‌الملل، فلسطینیان از حق مقاومت مسلحانه برخوردارند؟
- (۴) اعمال «مقاومت مسلحانه علیه اشغالگر» تحت چه شرایطی قابل اعمال و با چه محدودیت‌هایی روبرو می‌باشد؟
- (۵) آیا وفق قواعد حقوق بشردوستانه، «حقوق اشغال» کماکان در نوار غزه قابلیت اعمال دارد؟

از این رو، این مقاله به چگونگی اجرای حق مقاومت فلسطینی‌ها در برابر اشغال رژیم صهیونیستی می‌پردازد و راه‌هایی که فلسطینیان در تعیین سرنوشت خود نقش‌آفرینی کنند را بررسی می‌کند. هدف این مقاله، نشان دادن این حقیقت است که اشغال نوار غزه و کرانه باختری توسط رژیم صهیونیستی استمرار دارد و مردم و جنبش‌های تحت اشغال «حق بر مقاومت در برابر اشغالگر» را برای خود محفوظ می‌دارند.

1. To read more in this field, See: Prosecutor v. Tadic, 1995.

2. Regulations Annexed to The Hague Convention (IV) Respecting the Laws and Customs of War on Land, 1907, Art. 43.

از منظر سازماندهی پژوهش، ابتدا به تعریف اشغال و عناصر لازم برای اثبات کنترل مؤثر پرداخته می‌شود و سپس با ارائه تحلیلی جامع از چیستی «حق بر مقاومت» و «حق تعیین سرنوشت»، در چهارچوب حقوق بشردوستانه روابط این دو حق و ارتباط آنها با «حقوق اشغال» مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت نشان داده می‌شود که به‌رغم خروج بخشی از نیروهای رژیم صهیونیستی از باریکه غزه از سال ۲۰۰۶م، رژیم صهیونیستی همچنان تأمین‌کننده اصلی آب، برق و سوخت نوار غزه است و کنترل کلیه گذرگاه‌ها، تردها، و حتی ورود و خروج کالا را بر عهده دارد. لذا به موجب قواعد ناظر بر اشغال نظامی، همچنان کنترل مؤثر را بر این منطقه اعمال می‌کند. از این رو، به‌عنوان دولت اشغالگر تکالیف و مسئولیت‌های مهمی در قبال غزه و جمعیت ساکن در آن دارد.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی پژوهش

۲-۱. پیشینه‌های پژوهش

در حوزه‌های «حق تعیین سرنوشت»، «حقوق مخاصمات مسلحانه» و «حقوق اشغال» نیز کتاب و مقالات زیادی به رشته تحریر درآمده است. محققان و پژوهشگران عمدتاً آثار خود را معطوف به مطالعه بر روی ابعاد حقوقی جنگ نموده‌اند و کمتر به حق بر مقاومت به‌عنوان یک حق ذاتی بشر و رابطه آن با حق تعیین سرنوشت در چهارچوب حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی توجه کرده‌اند. از جمله این نوشتارها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

سیاه‌رستمی در رساله دکتری خود تحت عنوان «حقوق بین‌الملل اشغال و کارایی آن در حمایت از افراد» (۱۳۹۰ الف) به این نتیجه رسیده است که در خصوص اشغال نظامی، مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه باید اجرا شود. شورای امنیت باید در قطعنامه‌ها و سایر اسنادی که در خصوص اشغال سرزمینی صادر می‌کند، بر لزوم رعایت تعهدات حقوق بشری قدرت‌های اشغالگر تأکید کند. محقق در مقاله منتشر از این رساله تأکید می‌کند با تضمین رعایت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی، بسیاری از خلأهای موجود حقوقی در خصوص الگوی جدید اشغال مرتفع و حمایت لازم از سکنه سرزمین اشغالی تأمین خواهد شد (سیاه‌رستمی، ۱۳۹۰ ب: ۴۲).

اخوان خرازیان در مقاله «اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمه اخیر نوار غزه» (۱۳۸۸) که در مجله حقوقی بین‌المللی منتشر شده است به جنایات قدرت اشغالگر در نوار غزه از طریق نقض جدی بسیاری از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه از جمله مجازات دسته‌جمعی و بی‌توجهی به تعهداتش طبق حقوق بین‌الملل اشغال اشاره دارد و عدم رعایت حقوق بشردوستانه در کنار عدم رعایت اصل مسئولیت کیفری فردی را به‌عنوان مواردی ذکر می‌کند که بستر تحقق مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی را تشدید می‌کند. وی در این مقاله اذعان داشته است مراجع بین‌المللی در کاهش وخامت اوضاع و الزام طرف‌های درگیر به رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی عملکرد موفق‌تری نداشته‌اند (خرازیان، ۱۳۸۸: ۶۵).

احمدی‌نژاد، امین‌الرعیایا و متاجی در پژوهشی مشترک با عنوان «تحول مفهومی اشغال از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر وضعیت اراضی غزه» (۱۳۹۹) که در فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران به چاپ رسیده است به این پرسش می‌پردازند که آیا خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از غزه به معنای پایان وضعیت اشغالگری رژیم صهیونیستی است؟ یافته‌های نگارندگان به این قرار است؛ از آنجا که معیار «کنترل مؤثر» نقش بسزایی در تحول مفهومی اشغال در عرصه بین‌المللی دارد می‌توان تداوم اشغال اراضی غزه توسط رژیم صهیونیستی پس از سال ۲۰۰۵م. را اثبات کرد و تکالیفی را برای آن رژیم به‌عنوان اشغالگر بر اساس حقوق بین‌الملل ایجاد کرد (احمدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۱).

۲-۲. مفهوم‌شناسی

۲-۲-۱. حقوق بشردوستانه بین‌المللی

«حقوق بشردوستانه بین‌المللی»^۱ که گاهی به‌عنوان حقوق جنگ یا «حقوق مخاصمات مسلحانه»^۲ شناخته می‌شود، مجموعه قواعدی است که درگیری‌های مسلحانه بین دولت‌ها را تنظیم می‌کند. حقوق بشردوستانه بین‌المللی از افرادی که درگیر جنگ نبوده‌اند یا از

1. International humanitarian law (IHL)

2. Law of Armed Conflict (LOAC)

شرکت در خصومت‌ها دست کشیده‌اند، محافظت می‌کند و ابزار و روش‌های جنگ را محدود می‌کند (حسینی، ۱۴۰۱: ۴۹).

۲-۲-۲. حق بر مقاومت

«حق بر مقاومت» یک حق ذاتی است که توسط حقوق بشردوستانه بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. بر این اساس، مردم تحت اشغال حق دارند با استفاده از هرگونه ابزار موجود (از جمله سلاح) علیه قدرت اشغالگر غیرقانونی و رژیم‌های نژادپرست با هدف تعیین سرنوشت مبارزه کنند. محروم کردن مردم از چنین حقی به معنای انکار حق برابری و کرامت انسانی آنها است (مانیراکیزا، ۲۰۱۹: ۸۵).

۲-۲-۳. حق تعیین سرنوشت

«حق تعیین سرنوشت» حقی بنیادین و مهم‌ترین حق در میان حقوق بشر است. این حق، پیش‌شرط اعمال همه حقوق و آزادی‌های فردی است. بر اساس حق تعیین سرنوشت، مردم تحت اشغال یا تحت استعمار می‌توانند آزادانه وضعیت سیاسی‌شان را تعیین و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را دنبال نمایند (کاسسه، ۱۹۹۵: ۳۷).

۲-۲-۴. حقوق اشغال

«اشغال» به معنای حضور فیزیکی نظامی مؤثر قوای اشغالگر در خاک کشور دیگری، اعمال حاکمیت و کنترل مؤثر در سرزمین اشغالی به منظور تسلط موقت بر آن است. «حقوق اشغال» شامل مجموعه‌ای از حق‌های بشری مردم تحت اشغال است که قدرت اشغالگر باید جهت تضمین آن تلاش نماید؛ این حقوق شامل موارد زیر می‌شود:

- (۱) برقراری نظم عمومی،
- (۲) امنیت،
- (۳) تغذیه سالم،
- (۴) تضمین دسترسی به تجهیزات پزشکی،

(۵) حفظ بیمارستان‌ها و برخی خدمات بهداشت عمومی (سامسون، ۲۰۱۰: ۹۲۴).

۲-۳. مبانی نظری

۲-۳-۱. اشغال نظامی

حقوق مربوط به اشغال سرزمین، بخشی از حقوق جنگ است که اصول کلی و مقررات حقوق بین‌الملل در این زمینه را تنظیم کرده و درصدد است با وضع مقرراتی وضعیت حقوقی سرزمین تحت اشغال را تنظیم و حقوق و امنیت ساکنان اراضی اشغالی را تضمین کند (کثیری، ۱۳۹۵: ۲۱۸). «مایکل اکهورست» معتقد است تفاوت مهمی میان اشغال نظامی و کسب قلمرو سرزمینی و الحاق آن وجود دارد. اشغال نظامی یک سرزمین بدون مجوز سازمان ملل غیرقانونی است و تحت هیچ شرایطی پذیرفته نیست؛ و تهدید یا توسل به زور برای اکتساب سرزمین، قطعاً باعث عدم مشروعیت کسب قلمرو سرزمینی و یا الحاق خاک آن کشور به خود می‌شود (اکهورست، ۱۹۸۷: ۱۴۹). مفهوم اشغال نظامی غالباً در حوزه حقوق مخاصمات مسلحانه قرار می‌گیرد و این یک وضعیت غیرمعمول است، چراکه در جایی بین صلح و جنگ قرار دارد که حقوق و تعهدات خاص و متفاوتی از زمان جنگ یا زمان صلح بر آن اعمال می‌شود.

اعلامیه ۱۸۷۴ بروکسل در تدوین مفهوم اشغال نقشی تعیین‌کننده دارد. در این اعلامیه، در بیان مفهوم اشغال بیان شده است:

«سرزمین متعلق به یکی از طرفین منخاصه زمانی اشغالی محسوب خواهد شد که به‌صورت واقعی تحت حاکمیت نیروهای مسلح منخاصم قرار گیرد. وضعیت اشغالی تنها در سرزمین‌هایی است که حاکمیت در آنجا شکل می‌گیرد و تا زمانی که طرف منخاصم می‌تواند حاکمیت خود را اعمال کند، این وضعیت ادامه خواهد یافت.»^۳

1. Samson
2. Akehurst
3. Brussels Declaration, 1874: Art. 1.

بعد از جنگ جهانی دوم مفهوم اشغال مورد بررسی قضایی قرار گرفت. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی دیوار حائل (۲۰۰۴)^۱ ابراز داشت:

«واژه "اشغال" متضمن آن است که مقاومت سازمان‌یافته کشور تحت اشغال درهم‌شکسته شود و ساختارهای اجرایی حفظ نظم و قانون در منطقه اشغالی شکل بگیرند. دیوان به ماده ۴۹ بند ۶ کنوانسیون چهارم ژنو استناد می‌کند. در ماده ۴۹ به صراحت آمده است که دولت اشغالگر حق جابجایی جمعیت غیرنظامی خود را ندارد. به‌این‌ترتیب، هرگاه کنترل از سوی اشغالگر عملی و دولت مستقر نابود شود، منطقه اشغالی محسوب خواهد شد» (فرارو^۲، ۲۰۱۲: ۱۴۱).

درواقع، اشغال از تجاوز صرف متفاوت است؛ زیرا در اشغال بر سرزمین اشغالی اعمال حاکمیت می‌شود. در همین خصوص «این‌هایم» می‌گوید: اشغال، تجاوز به خاک کشوری دیگر به همراه تصاحب آن به‌منظور نگه‌داشتن آن است (کوینکز^۳، ۲۰۱۶: ۲۷۹).

ماده ۲ مشترک چهار کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹، علاوه بر قابلیت اعمال در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی به‌طور عام، در مورد اشغال جزئی یا کامل سرزمین یک عضو متعاهد نیز به‌طور خاص اعمال خواهد شد. مقررات حاکم بر اشغال نظامی به‌عنوان بخشی از یک درگیری مسلحانه بین‌المللی، توسط حقوق عرفی جنگ، مقررات ۱۹۰۷ لاهه (کنوانسیون چهارم لاهه در مورد قوانین و آداب و رسوم جنگ در زمین و پیوست آن به تاریخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷)، کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و برخی از مقررات پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ تعیین شده است.

بر اساس ماده ۴۲ مقررات لاهه، «سرزمین زمانی اشغال شده تلقی می‌شود که عملاً تحت اختیار ارتش متخاصم قرار گیرد.» با توجه به اینکه هیچ تعریف دیگری در معاهدات تصویب شده بعدی در این زمینه ارائه نشده است، این تعریف معیاری برای تعیین وجود وضعیت اشغال باقی می‌ماند. نکته مهم این است که ماده ۴۲ مقررات لاهه همچنین بیان می‌کند که؛ «اشغال فقط به سرزمینی که چنین اختیاری در آنجا تأسیس شده و قابل اعمال

1. Legal Consequences of the Const ruction o f a W all in the O ccu pied Palestinian Territory, Advisory Opinion, 9 July 2004, para. 87.

2. Ferraro

3. Cuyckens

است، گسترش می‌یابد.» در نتیجه، اشغال فقط مربوط به مناطقی است که کنترل مورد نیاز به طور مؤثر در آنها برقرار شده است. این تعریف در رویه قضایی بین‌المللی نیز تأیید شده است.^۱

۲-۳-۲. استمرار اشغال نوار غزه

کرانه باختری و نوار غزه در سال ۱۹۶۷م. تحت اشغال رژیم صهیونیستی قرار گرفتند. در حالی که کرانه باختری همچنان در وضعیت اشغال قرار دارد، اوضاع در نوار غزه قدری متفاوت است. در ۶ ژوئن ۲۰۰۴، رژیم صهیونیستی تصمیم گرفت که نیروهای خود را خارج کند و شهرک‌ها را تخلیه نماید. بر اساس این طرح، رژیم صهیونیستی نیروهای زمینی خود را از نواز غزه عقب کشید و باریکه غزه را تخلیه کرد.^۲ طبق طرح مذکور، پس از تکمیل روند تخلیه، دیگر هیچ مبنای حقوقی برای ادعای اینکه نوار غزه همچنان به‌عنوان سرزمین‌های اشغالی تلقی شود وجود نخواهد داشت.^۳ هرچند این طرح تصریح می‌کند که اشغال نوار غزه به پایان رسیده، اما از نظر حقوقی صرف صدور بیانیه برای خاتمه مؤثر اشغال کافی نیست و باید ارزیابی عینی از حقایق در محل انجام شود.

در حالی که به نظر می‌رسد حقایق موجود در صحنه خلاف آن را نشان می‌دهد. از منظر حقوقی، اشغال زمانی پایان می‌یابد که؛ "قدرت اشغالگر از قلمرو عقب‌نشینی کند یا توسط مردم از آنجا رانده شود." "با این حال، قدرت اشغالگر به‌ندرت به فوریت عقب‌نشینی می‌کند

۱. این امر توسط رویه قضایی تأیید شده است. در این زمینه رجوع کنید به: دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)، پیامدهای حقوقی ساخت دیوار در سرزمین اشغالی فلسطین، نظر مشورتی، ۹ ژوئیه ۲۰۰۴، گزارش‌های ICJ 2004، ص ۱۲۶، بند ۷۸؛ ICJ، فعالیت‌های مسلحانه در قلمرو کنگو (جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا)، حکم، ۱۹ دسامبر ۲۰۰۵، گزارش‌های ICJ 2005، ص ۱۶۸، بند ۱۷۲؛ (از این پس پرونده فعالیت‌های مسلحانه) و دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY)، دادستان علیه ملادن ناتیلیچ و وینکو مارتینوویچ، پرونده شماره IT-98-34-T، ۳۱ مارس ۲۰۰۳، بند ۲۱۶-۲۱۵.

2. The Cabinet Resolution Regarding the Disengagement Plan, 6 June 2004.
3. The Disengagement Plan—General Outline, 18 April 2004.

و معمولاً عقب‌نشینی به تدریج و از طریق کاهش تدریجی نیروهای مربوطه اتفاق می‌افتد (کویکنز، ۲۰۱۵: ۴۹). بسیاری از حقوق‌دانان، سازمان‌های غیردولتی^۲ و سازمان‌های بین‌المللی استدلال می‌کنند که نوار غزه هنوز تحت اشغال است (گزارش گلدستون^۳، ۲۰۱۳: پاراگراف ۲۷۶).^۴

استدلال‌های مختلفی در حمایت از این موضع ارائه می‌شود که رژیم صهیونیستی همچنان یک قدرت اشغالگر در غزه است؛ چراکه کنترل اعمال شده توسط رژیم صهیونیستی بر نوار غزه هنوز هم در «آستانه کنترل مؤثر» مورد نیاز حقوق اشغال قرار دارد. در نتیجه، ماهیت و میزان تعهدات قدرت اشغالگر نیز به سطح کنترل اعمال شده بر منطقه بستگی دارد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در گزارش سال ۲۰۱۵م. خود در مورد چالش‌های درگیری‌های مسلحانه معاصر به حقوق بشردوستانه بین‌المللی اشعار می‌دارد:

«معیار کنترل مؤثر در هنگام تعیین پایان اشغال به همان اندازه قابل اجرا است، به این معنی که معیارهایی که باید رعایت شوند عموماً باید منعکس‌کننده معیارهایی باشند که برای تعیین شروع اشغال استفاده می‌شوند. با این حال، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در نظر دارد که در برخی موارد خاص و نسبتاً استثنایی -به‌ویژه زمانی که نیروهای خارجی از سرزمین اشغالی (یا بخش‌هایی از آن) خارج می‌شوند اما عناصر کلیدی اختیارات یا سایر وظایف مهم را حفظ می‌کنند- حقوق اشغال در آن محدوده سرزمینی اعمال شود. در واقع، علی‌رغم عدم حضور فیزیکی نیروهای خارجی در قلمرو مربوطه، اقتدار حفظ‌شده ممکن است برای اهداف حقوق اشغال به منزله کنترل مؤثر باشد.»^۵

همچنین دادگاه عالی رژیم صهیونیستی در حکم «البسیونی» بر ادامه اشغال غزه تأکید دارد و تعهدات رژیم صهیونیستی در قبال نوار غزه را به سه دلیل زیر استوار می‌داند:

1. Cuyckens
2. Amnesty International, Amnesty International Report 2014/15 to the State of Israel.
3. Goldstone report
4. Goldstone report, para. 276; the European Union (EU); EU Heads of Missions' Report on Gaza, 2013.
5. The Report 'International humanitarian law and the challenges of contemporary armed conflicts', document prepared by the International Committee of the Red Cross, Geneva, October 2015, p. 12.

- (۱) درگیری مسلحانه که هنوز بین رژیم صهیونیستی و حماس ادامه دارد.
- (۲) کنترلی که رژیم صهیونیستی همچنان بر گذرگاه‌های مرزی اعمال می‌کند.
- (۳) اهمیت روابط ایجاد شده بین رژیم صهیونیستی و حماس در طول سال‌های گذشته.

زمینه اول نسبتاً ساده است: با توجه به این واقعیت که هنوز درگیری مسلحانه بین رژیم صهیونیستی و حماس وجود دارد، تعهدات مربوطه تحت قواعد عمومی بشردوستانه بین‌المللی همچنان اعمال می‌شود^۱

۳-۲-۳. مبانی حق بر مقاومت در برابر اشغال

«حق بر مقاومت» به یک معنا قدیمی‌ترین حق بشری است؛ حق دفاع از خود و حفظ جان خود. حقی که «جان لاک» با این استدلال که اولین دارایی شما بدن خودتان است، آن را به‌عنوان مبنای حق مالکیت مجدداً تنظیم کرد. حق دفاع به‌عنوان یک اصطلاح زبانی در زمینه جنگ آمده است:

«مقاومت در برابر تهاجم و حمله نظامی و اشغال سرزمین‌تان. در اینجا شما حق دارید، علیه مهاجم‌تان از زور استفاده کنید و او را شکست دهید، چراکه حق آزادی از زیر یوغ اشغالگر و مهاجم در حقوق عرفی و قراردادی و رویه قضایی کاملاً به رسمیت شناخته شده است» (کنافانی، ۱۹۸۲: ۳۴).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد صراحتاً حق فلسطینیان را برای مقاومت در برابر اشغال نظامی رژیم صهیونیستی، از جمله از طریق مبارزه مسلحانه، تأیید کرده است. این حق در چارچوب حق تعیین سرنوشت همه مردم تحت حاکمیت خارجی و استعماری تأیید شد. برخی از مرتبط‌ترین قطعنامه‌های سازمان ملل در این مورد عبارت‌اند از:

- (۱) قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی (۱۹۷۴) حق تعیین سرنوشت، آزادی و استقلال را برای همه «مردم تحت رژیم‌های استعماری و نژادپرست یا سایر اشکال سلطه

^۱. دیوان عالی دادگستری رژیم صهیونیستی، جابر البسیونی احمد و دیگران علیه نخست وزیران و وزیر دفاع، پرونده شماره ۰۷/۹۱۳۲، ۲۷ ژانویه ۲۰۰۸.

بیگانگان» تأیید کرد و اشاره به این مسئله داشت: «حق این مردمان برای مبارزه برای این هدف و به دنبال حمایت و دریافت حمایت.»^۱

(۲) قطعنامه ۴۳/۳۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۸۲) «حق مسلم» مردم فلسطین و «همه مردم تحت سلطه بیگانگان و استعمار» را برای تعیین سرنوشت خود مورد تأکید قرار داد. همچنین مشروعیت «مبارزه خلق‌ها برای رهایی از سلطه استعماری و خارجی و اشغال خارجی با همه ابزارهای موجود، از جمله مبارزه مسلحانه» را مجدداً تأیید کرد.^۲

اصول مشابهی در قطعنامه‌های متعدد دیگر سازمان ملل متحد تکرار شده است. اگرچه قطعنامه‌های سازمان ملل متحد از نظر قانونی الزام‌آور نیستند، اما «به‌درستی منعکس‌کننده نظرات حقوقی مرسوم بین‌المللی در میان اکثریت دولت‌های مستقل جهان هستند» (سیگلر^۳، ۲۰۰۴).

سازمان ملل حق مقاومت در برابر سلطه خارجی را در پس‌زمینه جنگ‌های استقلال طلبانه علیه قدرت‌های استعماری در نیمه دوم قرن بیستم، به‌ویژه در جنوب آفریقا به رسمیت شناخت. قطعنامه‌های سازمان ملل در این دوره مکرراً در حمایت از مبارزات فلسطینی‌ها در کنار جنبش‌های آزادی‌بخش مشابه در سایر زمینه‌های استعماری، از جمله مبارزه با حکومت آپارتاید در آفریقای جنوبی و نامیبیا، که استفاده از مبارزه مسلحانه برای دستیابی به اهداف خود را نیز دربرگرفته بود، صحبت می‌کرد. در همین دوره، سازمان ملل متحد به سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف)^۴ در کنار جنبش‌های آزادی‌بخش آفریقایی از جمله «کنگره ملی آفریقا» وضعیت ناظر اعطا کرد (مانیراکیزا^۵، ۲۰۱۹: ۸۹).

1. UNGA resolution 3314, "Definition of Aggression," December 14, 1974.
2. UNGA resolution 37/43, "Importance of the universal realization of the right of peoples to self-determination and of the speedy granting of independence to colonial countries and peoples for the effective guarantee and observance of human rights," December 3, 1982.
3. Sigler
4. UNGA Resolution 3237; "Observer status for the Palestine Liberation Organization," November 22, 1974.
5. Manirakiza

تشکیل دولت خودگردان فلسطین مانع از مشروعیت اقدامات جمعی مردم برای دستیابی به حق تعیین سرنوشت نیست. در شرایط غیرقانونی موجود، سرزمین فلسطین تحت اشغال خارجی است و جامعه بین‌المللی به این موضوع توجهی ندارد. ماده ۹ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به رسمیت می‌شناسد که «افراد می‌توانند اقداماتی را که معمولاً توسط دولت‌ها انجام می‌شود در غیاب یا کوتاهی مقامات رسمی دولتی، تحت شرایط مشابه انجام دهند» (کانت و کولاسیس^۱، ۲۰۰۴: ۴۷). کمیسیون حقوق بین‌الملل بیشتر در مورد معنای «تحت شرایط مشابه» در تفسیر توضیح داد و اظهار داشت:

«چنین مواردی به‌ندرت اتفاق می‌افتد؛ مانند در جریان انقلاب، درگیری‌های مسلحانه یا اشغال خارجی، که در آن مقامات عادی منحل می‌شوند، در حال تجزیه هستند، سرکوب شده یا در حال حاضر غیرفعال هستند.»^۲

علاوه بر این، اصول حقوق بین‌الملل به رسمیت می‌شناسد که تعقیب مشروع حق تعیین سرنوشت ممکن است توسط گروه‌هایی از مردم که حق تعیین سرنوشت خود را در مقابل یک دولت اشغالگر دنبال می‌کنند، انجام شود. در چارچوب تعیین دسته‌بندی‌های واجد شرایط برای طبقه‌بندی اسیران جنگی، ماده ۴ (۱) کنوانسیون سوم ژنو، «اعضای نیروهای مسلح یک طرف درگیر و همچنین اعضای شبه‌نظامیان یا گروه‌های داوطلب تشکیل‌دهنده بخشی از چنین نیروهای مسلح است.»

همزمان، در پاراگراف بعدی، بند ۲ ماده ۴ به «اعضای دیگر شبه‌نظامیان و اعضای دیگر سپاه‌های داوطلب، از جمله اعضای جنبش‌های مقاومت سازمان‌یافته» توضیح می‌دهد.^۳ این تمایز تأکید می‌کند که این افراد و نهادها به نیروهای مسلح رسمی مربوط نمی‌شوند، بلکه

1. Knut and Colassis

2. UN DOC. A/CN.۴/SER.A/۲۰۰۱/Add 1 Part ۲, AT109.

3. Article 4 (2) Geneva Convention Relative to the Treatment of Prisoners of War (Third Geneva Convention), 12 August 1949, 75 UNTS 135.

«شبه‌نظامیان» و «سایر گروه‌های داوطلب» را تشکیل می‌دهند که شامل افرادی می‌شود که تحت اشغال زندگی می‌کنند.

در مورد اشغال نظامی که جامعه بین‌المللی آن را نامشروع می‌داند، مردم برای استیفای حق تعیین سرنوشت خود چاره‌ای جز توسل به زور برای پیگیری حقوق مندرج در منشور ملل متحد ندارند. به رسمیت شناختن مشروعیت چنین مقاومتی برای توانمند ساختن مردم تحت سلطه برای دفاع از خود در غیاب اراده سیاسی ضروری است. در غیر این صورت، جامعه حقوقی بین‌المللی در حال عادی‌سازی انقیاد دیگران توسط جامعه بین‌المللی است (شفر،^۱ ۲۰۰۳: ۲۹).

قطعه‌نامه‌های متعدد سازمان ملل متحد، بیانیه‌های مقامات دولتی و همچنین پروتکل اول کنوانسیون‌های ژنو، «مشروعیت مبارزه مردم را با تمام ابزارهای مشروعی که در اختیار دارند، از جمله مبارزه مسلحانه برای اعمال تعیین سرنوشت» را به رسمیت می‌شناسند. همان‌طور که دیوان در پرونده صحرای غربی اشاره کرد قطعه‌نامه‌های مجمع عمومی می‌تواند نشانه‌ای از رویه دولتی و «اعتقاد به الزام‌آوری آن»^۲ باشد.

۴-۳-۲. «حق بر مقاومت» و «حق تعیین سرنوشت» در چارچوب اسناد حقوق بین‌الملل

۴-۳-۲-۱. حق بر مقاومت و مبارزه مسلحانه

حق بر مقاومت و مبارزه مردم تحت سلطه خارجی در اسناد مختلف حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه به رسمیت شناخته شده است. برای مثال، بند ۲ ماده ۲۰ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردمان سال ۱۹۸۱م، پس از اعلام حق انکارناپذیر ملت‌ها در تعیین سرنوشت، مقرر می‌دارد:

«همه مردمان تحت استعمار و ظلم حق دارند با توسل به هر وسیله‌ای که جامعه

بین‌المللی به رسمیت شناخته خود را از قید سلطه رهایی بخشند»^۴

1. Scheffer

2. Opinio Juris

3. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, [1996] ICJ Rep 3, at 254-255, para. 70.

4. African (banjul) Charter on Human and Peoples' Rights, 1981.

همچنین مادهٔ دوم «کنوانسیون مبارزه با تروریسم بین‌المللی» مصوب سال ۱۹۹۹م. «سازمان همکاری اسلامی»^۱ بیان می‌کند:

«مبارزات مردمان از جمله مبارزات علیه اشغال خارجی، تجاوز، استعمار و سلطه با هدف آزادی و تعیین سرنوشت مطابق اصول حقوق بین‌الملل نباید جنایت تروریستی تلقی شود.»^۲

در سال ۲۰۰۴م. منشور عربی حقوق بشر، که در نشست اتحادیه کشورهای عرب در ۲۳ می ۲۰۰۴ در اجلاس تونس تصویب و در ۱۵ ژانویه ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شد. در بند ۴ ماده ۲ اعلام می‌کند: «همه ملل دارای حق مقاومت در مقابل اشغال خارجی هستند.» حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز حق مقاومت مردم را علیه سلطه استعماری و اشغال بیگانگان و علیه رژیم‌های نژادپرست به رسمیت می‌شناسد. این حق از اصول حقوق اشغال تبعیت می‌کند و در منابع مختلف حقوق بین‌الملل طنین انداز است.

حقوق بین‌الملل حاکم بر مخاصمات مسلحانه مندرج در کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) در مورد چگونگی و مشروعیت استفاده از زور علیه یک قدرت اشغالگر قاعده‌ای وضع نکرده و در مورد «حق بر مقاومت» سکوت اختیار نموده است (بنویچ و بنویستی^۳، ۲۰۲۲: ۱۷۰). با این حال، پروتکل الحاقی^۴ اول ۱۹۷۷ که در جهت توسعه و تکمیل کنوانسیون چهارم ژنو تنظیم شد، دامنه موضوع مقاومت در برابر اشغال نظامی را گسترش داد و به صراحت تأیید کرد که «حق بر مقاومت» و «حق تعیین سرنوشت خود» در شرایطی از جمله «درگیری‌های مسلحانه که در آن مردم علیه سلطه استعماری و اشغال بیگانگان و علیه رژیم‌های نژادپرستانه در کشور مبارزه می‌کنند» اعمال می‌شود (نورا ارکات^۵، ۲۰۱۹: ۱۱۱).

1. OIC

2. Organization of Islamic Cooperation, 1999, Art. 2(a)

3. Lieblich and Benvenisti

4. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), June 8, 1977.

5. Noura Erakat

این به‌روزرسانی حقوق بین‌الملل به «توسل به سلاح توسط جنبش‌های آزادی‌بخش ملی، از جمله سازمان آزادی‌بخش فلسطین» مشروعیت قانونی می‌بخشد و به فلسطینیان «حق قانونی» برای استفاده از زور علیه اشغال نظامی را می‌دهد. مشابه آنچه که کشورهای مستقل از آن برخوردارند؛ اما «حق توسل به زور توسط گروه‌های مبارز نیز نامحدود نیست و باید اصول تناسب و ضرورت و سایر اصول تنظیم‌کننده حقوق بشردوستانه (مانند اصل تفکیک بین نیروهای اشغالگر و غیرنظامیان)^۱ رعایت شود.» از سوی دیگر، خشونت علیه اهداف نظامی از جمله سربازان اشغالگر رژیم صهیونیستی و پست‌های بازرسی نظامی، می‌تواند در حیطه حق مقاومت مردم اشغال‌شده تلقی شود (مصاحبه نورا با الکس کین، ۲۰۲۳).^۲

کارشناسان سازمان ملل و سازمان عفو بین‌الملل تصریح کرده‌اند «شلیک بی‌رویه راکت‌ها توسط گروه‌های شبه‌نظامی فلسطینی در غزه غیرقانونی است و ممکن است جنایت جنگی محسوب شود، زیرا موشک‌ها نمی‌توانند دقیقاً به سمت یک هدف نظامی هدایت شوند.»^۳ این‌گونه اقدامات در کنار جنایات جنگی رژیم صهیونیستی مشمول تحقیق در دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) خواهد بود (پیتر بیومونت،^۴ ۲۰۲۱).

۱-۱-۳-۲. مشروعیت مقاومت و مبارزه مسلحانه در برابر اشغال

فلسطینیان در طول تاریخ از طرق مختلف در برابر سلطه استعمار مقاومت کرده‌اند و اغلب از روش‌های مقاومت غیرخشونت‌آمیز و خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند.^۵ در طول انتفاضه

1. Principle of Distinction,” International Committee of the Red Cross, accessed Aug. 1, 2023 at <https://casebook.icrc.org/law/principle-distinction>.

2. Noura Erakat interviewed by Alex Kane, “Unpacking Israel’s Legal Fictions,” Jewish Currents, July 14, 2023.

3. Amnesty International, “Unlawful and deadly: Rocket and mortar attacks by Palestinian armed groups during the 2014 Gaza/Israel conflict,” March 26, 2015.

4. Piter Beaumont

5. AFSC Middle East Task Force, “Palestinian Nonviolent Resistance to Occupation Since 1967,” Fall 2005.

اول (۱۹۹۳-۱۹۸۷)، فلسطینی‌ها استراتژی نافرمانی مدنی را اتخاذ کردند که از طریق شیوه‌های زیر متبلور شد:

(۱) کمیته‌های مردمی،

(۲) اعتصابات،

(۳) تحریم‌ها،

(۴) پروژه‌های خودپایه به‌عنوان نوعی فشار غیرخشونت‌آمیز بر رژیم صهیونیستی.^۱

پس از تأسیس «سازمان آزادی‌بخش فلسطین» در سال ۱۹۶۴م، مبارزه مسلحانه به‌عنوان وسیله اولیه‌ای تلقی می‌شد که از طریق آن آزادی به دست می‌آمد.^۲ این استراتژی تا به امروز ادامه دارد؛ زیرا بسیاری از فلسطینیان درگیر انواع حملات مسلحانه علیه اشغالگران نظامی رژیم صهیونیستی هستند.

نمونه دیگری از این مقاومت مسلحانه در برابر اشغالگری، انتفاضه سال ۱۹۸۸م بود. به رسمیت شناختن مشروعیت این قیام توسط ارکان سازمان ملل، از طریق محکومیت اقدامات تلافی‌جویانه و ادامه شهرک‌سازی بیان شده است.^۳ به‌همین ترتیب، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، اقدامات ظالمانه رژیم صهیونیستی علیه انتفاضه را محکوم کرد و بر «صیانت از زنان فلسطینی و خانواده‌هایشان در سرزمین‌های اشغالی» تأکید کرد.^۴

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در پرونده صحرای غربی، مقاومت مسلحانه قبایل و گروه‌های مبارز صحرای غربی را به‌عنوان مصداقی از تعیین سرنوشت خود تفسیر کرد.^۵ از

۱. جامعه مدنی فلسطین خواستار تحریم، واگذاری و تحریم رژیم صهیونیستی تا زمانی است که با قوانین بین‌المللی و اصول جهانی حقوق بشر منطبق باشد.

۲. سازمان آزادیبخش فلسطین: ظهور مجدد جنبش ملی فلسطین، دایره‌المعارف تعاملی مسئله فلسطین، شورای ملی فلسطین، "برنامه ۱۰ جنبش ساف"، ۸ ژوئن ۱۹۷۴.

3. UNGA Resolution 43/21 (1988), 3 November 1988, para. 1.

4. ECOSOC Res. 1: E/RES/1990/11 (24 May 1990).

5. Western Sahara, Advisory Opinion, [1975] ICJ Rep 12 (ICJ), para. 104.

منظر دیوان، اقدامات این گروه‌ها و مقاومت مسلحانه در برابر سلطه خارجی در واقع گویای اعمال حق تعیین سرنوشت مشروع مردم است.

مشابه این رویه دیوان، بارها توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تکرار شده است.^۱ مجمع عمومی در قطعنامه ۲۱۰۵ (۱۹۶۴م.)، کشورهای عضو «مشروعیت مبارزه مردم تحت حاکمیت استعماری برای اعمال حق تعیین سرنوشت و استقلال خود را به رسمیت شناختند».^۲ در طول جلسه عمومی در مورد قطعنامه، مفهوم «مبارزه» با «مبارزه آزادی» و «مبارزه برای استقلال» همراه شد. به این ترتیب، مفهوم «مبارزه» را می‌توان به اقداماتی در راستای استقلال یا رهایی استنباط کرد، که به معنای اعمال مقاومت در برابر قدرت سلطه‌گر است. به‌طور مشابه، قطعنامه ۲۷۸۷ مجمع عمومی در سال ۱۹۷۱م. تصریح می‌کند:

«مشروعیت مبارزه مردم برای تعیین سرنوشت و رهایی از سلطه استعماری و خارجی و انقیاد خارجی، به‌ویژه مردم زیمبابوه در آفریقای جنوب غربی و همچنین مردم فلسطین را مطابق با منشور سازمان ملل متحد تأیید می‌کند».^۳ مجمع عمومی در قطعنامه ۲۶۴۹ (۱۹۷۰م.)، تأیید کرد «مردمان تحت سلطه استعماری و خارجی از حق تعیین سرنوشت برخوردارند تا این حق را به هر وسیله‌ای که در اختیار دارند به خود بازگردانند».^۴ همچنین مجمع در قطعنامه ۳۰۷۰ (۱۹۷۳م.) بار دیگر بر حقانیت مبارزات مردم برای رهایی از سلطه استعمار و بیگانه و انقیاد خارجی با همه ابزارهای موجود، از جمله مبارزه مسلحانه تأکید می‌کند».^۵

1. Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) Notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970), Advisory Opinion (Separate Opinion of Judge Ammoun) [1971] ICJ Rep 16 (ICJ), at 70.

2. UNGA Resolution 2105 (XX) (1965), 20 December 1965, UN Doc. A/RES/2105(XX), para. 10.

3. UNGA Resolution 2787 (XXVI) (1971), 6 December 1971, UN Doc. A/RES/2787(XXVI), para. 1.

4. UNGA Resolution 2649 (XXV) (1970), 30 November 1970, UN Doc. A/RES/2649, para 1.

5. UNGA Resolution 3070 (XXVIII) (1973), 30 November 1973, UN Doc. A/RES/3070, para. 2.

ارکان سازمان ملل متحد در قطعنامه‌های صادره در رابطه با زیمبابوه، نامیبیا، جیبوتی، کومور و فلسطین نیز مواضع مذکور را تأیید کرده است. مجمع عمومی از اعمال تعیین سرنوشت توسط مردم نامیبیا «به هر وسیله‌ای که در اختیار داشتند، از جمله مبارزه مسلحانه» حمایت کرد.^۱ بنابراین، استیفای حق تعیین سرنوشت «با همه ابزارهای موجود، از جمله مبارزه مسلحانه» نه تنها در رویه ارکان سازمان یافت می‌شود؛ بلکه در رویه دولت‌ها نیز بازتاب داشته است. برای مثال، "دستورالعمل نظامی بریتانیا" اشعار می‌دارد که:

«این واقعیت که برخی از ساکنان در حالت شورش هستند، یا اینکه چریک‌ها یا مبارزان مقاومت موفقیت‌هایی را کسب می‌کنند، اشغال را به پایان نمی‌رساند. حتی یک شورش موقت موفقیت‌آمیز در بخشی از منطقه تحت اشغال لزوماً اشغال را خاتمه نمی‌دهد تا زمانی که قدرت اشغالگر برای مقابله با شورش‌ها گام بردارد و بتواند اقتدار خود را مجدداً برقرار کند.»^۲

استدلال مشابهی در "کتابچه راهنمای نظامی ایالات متحده" یافت می‌شود که تصریح می‌کند:

«وجود شورش یا فعالیت واحدهای چریکی یا شبه‌نظامی به‌خودی‌خود باعث توقف اشغال نمی‌شود، مشروط بر اینکه اشغالگر بتواند در هر زمانی که بخواهد کنترل فیزیکی هر بخشی از قلمرو را در اختیار بگیرد.»^۳

۲-۳-۴. حق مردم تحت اشغال برای تعیین سرنوشت خود

«حق تعیین سرنوشت»^۴ یکی از اصول اساسی در حقوق بین‌الملل معاصر است. این اصل در زمره اهداف و مقاصد ملل متحد ذکر شده و منشور ملل متحد از حق تعیین سرنوشت به‌عنوان یکی از مبانی و پایه‌های روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز بین دولت‌ها و ملت‌ها یاد

1. UNGA Resolution 38/36 (1983), 1 December 1983, UN Doc. A/RES/38/36A-E, para. 4.

2. UK Ministry of Defence, The Manual of the Law of Armed Conflict (Oxford, Oxford University Press 2004), para. 11.2.

3. US Land Warfare Field Manual (July 1956), Washington DC, 15 July 1976, para. 351.

4. Self-Determination

کرده است. با این حال، اصل مزبور در کنار اصول دیگری همچون اصل عدم توسل به زور، اصل برابری حاکمیت‌ها و اصل عدم مداخله در امور داخلی فاقد استحکام کافی است. تا مدت‌ها بحث بر سر این بود که مفهوم این اصل چیست و آیا دامنه این اصل تنها به «مردم مستعمرات، مردم سرزمین‌های تحت سلطه بیگانه و گروه‌های نژادی تحت سلطه رژیم نژادپرست» تعلق می‌گیرد؟

گزارش «اورلیو کریستسکو»^۱ تحت عنوان «حق تعیین سرنوشت: تحول تاریخی و معاصر آن بر اساس منشور ملل متحد» که به‌طور گسترده‌ای تحول مفاهیم اساسی که در «حق تعیین سرنوشت» وجود دارد را بررسی می‌کند.^۲ در این گزارش حق تعیین سرنوشت به این صورت تعریف شده است:

«تعیین سرنوشت، حقی است بنیادین که بدون آن سایر حقوق نمی‌توانند به‌طور کامل متحقق شوند؛ تعیین سرنوشت فقط یک اصل نیست، بلکه مهم‌ترین حق در میان حقوق بشر است و پیش‌شرطی برای اعمال همه حقوق و آزادی‌های فردی است» (کوپر،^۳ ۱۹۸۵: ۳۴).

حق تعیین سرنوشت در منشور ملل متحد ماده ۱ (۲) و به‌عنوان یکی از اهداف ملل متحد گنجانده شد که این ماده مقرر می‌دارد:

«توسعه روابط دوستانه بین ملل بر اساس احترام به اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت مردم و استفاده از سایر ابزارهای مناسب برای تقویت صلح جهانی.»^۴

این اولین باری بود که این اصل در یک معاهده چندجانبه گنجانده می‌شد و به این ترتیب تصویب منشور نیز نقطه عطف مهمی در تاریخ تحول اصل حق تعیین سرنوشت به حساب می‌آید (کاسسه،^۵ ۱۹۹۶: ۴۴). پس از برداشتن اولین گام در راستای تأیید وجود حق تعیین سرنوشت برای مردم، مسئله روش‌ها و ابزارهای تحقق و تضمین این حق برای

1. Aureliu Cristescu

2. E/CN. 4/ Sub. 2/ 404/ Rev. 1, 1981.

3. Kuper

۴. منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، چاپ سوم ۱۳۸۲، ماده ۱ و ۲ منشور.

5. Cassese

مردم مطرح شد و رفته رفته این اصل در زمینه بحث‌های استعمارزدایی انعکاس بیشتری پیدا کرد (ناندا^۱، ۱۹۹۶: ۱۹۵).

دهه ۱۹۶۰ اوج فعالیت‌های ملل متحد در جهت اعتلای حق تعیین سرنوشت در بستر استعمارزدایی بود. «اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردمان مستعمرات»^۲ با امید به تسریع فرایند استعمارزدایی به تصویب رسید. این اعلامیه که به اعلامیه ضد استعمار یا استعمارزدایی معروف است، مقرر می‌دارد که همه حق تعیین سرنوشت دارند و اعلام می‌کند که استعمار باید به سرعت، و بدون قید و شرط از میان برداشته شود. بر اساس اعلامیه که در قطعنامه ۱۵۱۴ مجمع عمومی گنجانده شده بود، در سال ۱۹۶۲م. مجمع عمومی، «کمیته ویژه ضد استعمار» را ایجاد کرد تا بر اجرای اعلامیه نظارت کند و توصیه‌هایی برای اعمال آن صادر نماید (کاسسه^۳، ۱۹۹۶: ۴۴).

متعاقب تصویب این اعلامیه، در سال ۱۹۶۶م. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب رسید. ماده ۱ مشترک در میثاقین مقرر می‌دارد که همه مردم حق تعیین سرنوشت دارند. بر این اساس، آنها می‌توانند آزادانه وضعیت سیاسی‌شان را تعیین کنند و «تعیین سرنوشت» دیگر یک اصل حقوقی بین‌الملل بشمار رفت.

این برای اولین بار بود که یک قاعده حقوق بین‌الملل اعلام می‌کرد که مردم در یک دولت مستقل و حاکمه حق دارند آزادانه حکمرانان خویش را انتخاب کنند و یک حکومت دموکراتیک داشته باشند. درعین حال، دول عضو متعهد می‌شدند از مداخله در امور داخلی دیگر دولت‌ها و اشغال سرزمین خارجی و در نتیجه محروم کردن مردم آن از حق تعیین سرنوشت خود، خودداری کنند. تا این زمان، حق تعیین سرنوشت خارجی به

1. Nanda

2. Declaration on the Granting of Independence, Supra note 4.

3. Cassese

معنای به‌دست آوردن استقلال بود و این حق متضمن وظیفه دیگر دول در خودداری از مداخله امور داخلی مردم یک کشور مستقل و حاکمه بود.^۱

اما بعد از دهه ۱۹۷۰م. ابعاد جدیدی از حق تعیین سرنوشت مطرح شد و آن حق دفاع در برابر اشغال و همچنین کنترل منابع طبیعی خود بود. بدین ترتیب، اثرات تعیین سرنوشت دیگر جنبه سیاسی صرف نداشت، بلکه اثرات امنیتی، نظامی و اقتصادی نیز بر جای گذاشت (همان).

سال ۱۹۷۰م. اوج فعالیت‌های ملل متحد در راستای تثبیت جایگاه برتر حق تعیین سرنوشت، شناسایی آن به‌عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل و یک منبع ایجاد «تعهدات عام‌الشمول»^۲ و تدقیق مفهوم، مضمون و مبانی آن بود. در این سال مجمع عمومی «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در خصوص روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها بر اساس منشور ملل متحد» را تصویب کرد که یکی از اصول هفت‌گانه آن اصل، حقوق برابر و «تعیین سرنوشت» مردم بود. بر اساس آن؛

«همه مردم حق دارند آزادانه و بدون دخالت خارجی وضعیت سیاسی‌شان را تعیین کرده و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان را دنبال کنند و هر دولتی وظیفه دارد این حق را طبق مقررات منشور رعایت کند.»^۳

درعین‌حال، اعلامیه مذکور دولت‌ها را موظف و متعهد می‌سازد از اقدامات قهرآمیز در جهت محروم کردن از حق تعیین سرنوشت خودداری کنند. اما مردم حق دارند در مبارزه علیه چنین دولتی از حمایت بین‌الملل برخوردار شوند (موریس، ۱۹۹۷: ۲۰۷).

حق تعیین سرنوشت برای همه مردمان در سرزمین‌های تحت استعمار و اشغالی، به‌عنوان حقی جهان‌شمول شناسایی شده است و همه دولت‌ها متعهد می‌شوند در اعمال این حق و ایجاد شرایط تحقق آن اقداماتی ایجابی را تقبل کنند؛ به‌نحوی که مفهوم حق تعیین سرنوشت فقط شامل به استقلال رسیدن مردم تحت سلطه استعمار نیست، بلکه متضمن موارد زیر است:

1. Ibid.

2. Erga Omnes

3. Declaration on the Principles of Int'l Law, Supra note 4.

(۱) ممنوعیت مداخله در امور داخلی یک کشور،

(۲) ممنوعیت ادامه اشغال سرزمین‌های دول دیگر،

(۳) ممنوعیت کنترل منابع و ثروت‌های طبیعی دیگر کشورها.^۱

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی نامیبیا در ۱۹۷۱م، تصدیق کرد توسعه متعاقب حقوق بین‌الملل در خصوص سرزمین‌های غیر خودمختار نیز حق تعیین سرنوشت را در مورد همه آنها قابل اعمال ساخته است.^۲ در سال ۱۹۷۵م، در قضیه صحرای غربی، دیوان حق جمعیت صحرای غربی را برای تعیین وضعیت آتی سیاسی‌شان - که به وسیله بیان آزادانه خواست خود آنها مشخص شود - تصدیق کرد.^۳ همان‌طور که ملاحظه می‌شود، حق حقوقی تعیین سرنوشت برای مردم فقط در بستر استعمار و سرزمین‌های غیر خودمختار قابل اعمال فرض شده است (ناندا، ۱۹۹۶: ۱۹۰).

دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۰۴م، در رأی مشورتی مربوط به دیوار حائل، دیوان تأکید می‌کند که رویه‌اش در قضایای مذکور نشان می‌دهد: «حق مردم برای تعیین سرنوشت امروزه حقی "عام‌الشمول" است.»^۴ به نظر می‌رسد که دیوان بین‌المللی، مجموعه قواعد مندرج در ماده ۱ مشترک در میثاقین و اعلامیه روابط دوستانه ۱۹۷۰ را به‌عنوان حق تعیین سرنوشت و دارای کاراکتر «Erga Omnes» شناسایی کرده است.^۵

۱-۲-۴-۳-۲. حق تعیین سرنوشت مردم تحت انقیاد و اشغال

رویه دولتی و قطعنامه‌های ملل متحد نشان می‌دهد حق تعیین سرنوشت نه تنها متعلق به مردم مستعمرات است، بلکه در مورد مردم سرزمین‌های اشغالی نیز اعمال می‌شود. مفهوم «سلطه بیگانه» در بند ۱ اعلامیه اعطای استقلال گنجانده شده است:

^۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱، بند ۲.

2. ICJ Reports, 1971, 16, at 31.

3. ICJ Reports, 1975, 6, at 35-36.

4. ICJ Reports. 2004, paras. 88, 155.

5. Ibid., para. 88.

«قرار دادن مردم تحت انقیاد، سلطه و استثمار نفی حقوق اساسی بشر محسوب شده است که مغایر منشور ملل متحد و مانعی در جهت ترویج صلح و همکاری جهانی می‌باشد.»^۱

پروتکل اول الحاقی (۱۹۷۷) چارچوب کلی و دامنه کاربرد حق تعیین سرنوشت را تشریح می‌کند. در بند چهارم ماده ۱ پروتکل آمده است:

«موقعیت‌های که شامل درگیری‌های مسلحانه است مردمان می‌توانند در راستای حق تعیین سرنوشت خود علیه سلطه استعماری و اشغال بیگانگان و علیه رژیم‌های نژادپرستانه مبارزه کنند.»^۲

این ماده به‌وضوح مشروعیت مقاومت مسلحانه مردم در نیل به حق تعیین سرنوشت خود را تصدیق می‌کند (ابی‌صعب^۳، ۱۹۸۱: ۷۸). ماده اول میثاقین حقوق بشر نیز به‌طور ضمنی این مسئله را عنوان می‌کند، لکن اشاره مستقیم به عبارت اشغال خارجی یا سلطه بیگانه در آن نشده است، نهایتاً اعلامیه روابط دوستانه ۱۹۷۰ به چند وضعیت اشاره می‌کند که دربردارنده حق تعیین سرنوشت خارجی برای مردم است که یکی از آن چند وضعیت، مورد سلطه، انقیاد و استثمار بیگانه است.^۴

این اعلامیه نشان می‌دهد که وضعیت اشغال یا سلطه بیگانه می‌تواند جدا از استعمار وجود داشته باشد. این مسئله، امروزه مورد تأیید همه کشورها و جامعه جهانی قرار گرفته است.^۵ شورای امنیت در مواقع مختلف اعلام کرده، تحصیل و اکتساب سرزمین به‌وسیله غلبه نظامی و قهرآمیز، غیرمجاز و نامشروع است. به‌عنوان مثال، شورای امنیت در قطعنامه ۲۹۸ تصدیق می‌کند همه اقدامات اداری و تقنینی رژیم صهیونیستی در جهت تغییر وضعیت شهر بیت‌المقدس ازجمله خلع ید از اموال، انتقال جمعیت و قانون‌گذاری در

1. A/ Res / 1514 (XV), 14 Dec. 1960, para. 1.

2. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (1977), 1125 UNTS 3.

3. Abi-Saab

4. A/ Res / 2625 (XXV), 24 Oct. 1970, Annex.

5. A. Cassese, *Supra* note 13, PP. 90- 91.

جهت ادغام سرزمین‌های اشغالی در رژیم صهیونیستی کلاً باطل و بی‌اثر است و نمی‌تواند تغییری در وضعیت ایجاد کند.

در ۱۹۸۰م. در قطعنامه ۴۷۸ تصویب قانونی که بیت‌المقدس را پایتخت رژیم صهیونیستی قرار داد و آن را متحد نمود، از سوی شورا نقض حقوق بین‌الملل خوانده شد و همه اقدامات مقننه و مجریه رژیم صهیونیستی در راستای تغییر کاراکتر شهر اورشلیم منسوخ و باطل اعلام گشت.^۱

حق مقاومت مردم فلسطین بر حق تعیین سرنوشت استوار است. مجمع عمومی ملل متحد در مقدمه قطعنامه ۷۳/۴۳ انکار حق مسلم و سلب‌نشدنی تعیین سرنوشت، حاکمیت، استقلال مردم فلسطین، و حق بازگشت آوارگان فلسطینی و نیز اقدامات مکرر تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی علیه مردم منطقه را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی اعلام می‌کند.^۲ مجمع عمومی در بند ۲ این قطعنامه مشروعیت مبارزه مردمان را برای استقلال، تمامیت سرزمینی، وحدت ملی، و آزادی از سلطه استعمار و بیگانه و اشغال خارجی، با هر شیوه‌ای از جمله مبارزه مسلحانه را تأیید می‌کند.

در ادامه این مبحث، مجمع در بند ۱۸ قطعنامه نیز دولت‌هایی را که حق تعیین سرنوشت و استقلال مردمان تحت سلطه بیگانه، به‌ویژه مردم فلسطین را به‌رسمیت نمی‌شناسند محکوم می‌کند و در بندهای ۲۳ و ۲۸ قطعنامه مزبور از همه دولت‌ها و نهادهای ذی‌ربط ملل متحد می‌خواهد مردم فلسطین را در مبارزات مشروع آنها کمک کنند (حیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۴۸۱).

هنوز در خصوص حق تعیین سرنوشت و بسط مفهوم آن بحث و تبادل نظر بین دیدگاه‌های مختلف و متعارض ادامه دارد و تاکنون این اصل به یک قاعده دقیق خاص تبدیل نشده است، اما می‌توان قواعد عرفی زیر را از آن استخراج کرد:

(۱) اعمال حق تعیین سرنوشت خارجی در مورد مستعمرات و مردم آن؛

1. ICJ Reports, 9 July 2004, para. 75, 87.

2. A/RES/73/43, 1982.

(۲) اعمال حق تعیین سرنوشت خارجی در مورد مردم سرزمین‌های اشغالی؛

(۳) اعمال حق تعیین سرنوشت داخلی برای گروه‌های نژادی دولی که تبعیض نژادی اعمال می‌دارند (کرافورد^۱، ۱۹۹۶: ۳۳۱).

۳. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از منظر هدف، تحقیقی کاربردی-توسعه‌ای می‌باشد؛ چراکه سعی می‌شود نتایج حاصل از این تحقیق را مورد استفاده عملی دیپلمات‌ها و مسئولان سیاسی کشور، فرماندهان نظامی و تصمیم‌گیران در قوه قضائیه و وزارت امور خارجه قرار گیرد. این تحقیق از منظر پارادایم تحقیق نیز از نوع تفسیری و انتقادی می‌باشد. رویکرد پژوهش حاضر، کیفی بوده و از نظر روش در زمره تحقیقات توصیفی و تحلیلی است. گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و از ابزار فیش‌برداری و تحلیل متن اسناد سازمان ملل متحد و سایر نظریات و رویه قضایی بین‌المللی استفاده شده است.

۴. تجزیه و تحلیل و یافته‌های تحقیق

قدرت اشغالگر بر اساس حقوق بشردوستانه مدرن که مبنای آن کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل اول الحاقی است، وظایف و مسئولیت‌های متعددی بر عهده دارد. درواقع، کنوانسیون چهارم ژنو برخلاف کنوانسیون‌های لاهه، محور اصلی حقوق اشغال را نه منافع قدرت اشغالگر، بلکه حمایت از جمعیت غیرنظامی و ارائه خدمات عمومی به مردم تحت اشغال قرار داده و تکالیف بی‌شماری نیز برای اداره سرزمین تحت اشغال را به قدرت اشغالگر تحمیل می‌کند. بدین ترتیب قدرت اشغالگر یک اداره‌کننده کامل است (احمدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۳).

عملکرد رژیم صهیونیستی در حبس جمعی مردم سرزمین اشغالی فلسطین یادآور الگوی استعمار-شهرک نشینی است. یکی از ویژگی‌های اصلی استعمار-شهرک نشینی، حصر جمعیت است. حصر سیستمی گسترده از محرومیت از آزادی است که منجر به زندانی شدن تمام جمعیتی می‌شود که زمین‌های خود را هم از دست داده‌اند. در طول زمان

رژیم صهیونیستی، کنترل همه‌جانبه خود بر فلسطینی‌ها به‌عنوان یک ملت را از طریق مکانیسم‌های فیزیکی، اداری و دیجیتال گسترش داده است. زندانی‌کردن پشت میله، با تکنیک‌های محدودیت‌زایی جایگزین شده است که کل جمعیت سرزمین اشغالی را شامل می‌شود و امکان تصرف زمین‌ها و آواره‌کردن اجباری جمعیت فلسطینی را فراهم می‌کند.

همان‌گونه که قطعنامه ۲۷۸۷ مجمع عمومی در سال ۱۹۷۱ م. اشاره می‌کند:

«قانونی‌بودن مبارزه مردم برای تعیین سرنوشت و رهایی از سلطه استعماری و انقیاد

خارجی، به‌ویژه مردم فلسطین را با تمام ابزارهای موجود تأیید می‌کند.»^۱

براین اساس، محاصره کامل و اقدامات نظامی علیه مردم نوار غزه توسط رژیم صهیونیستی، «مجازات دسته‌جمعی» محسوب می‌شود و در نتیجه «نقض حقوق بین‌الملل و نقض اصل حق تعیین سرنوشت» فلسطینی‌های ساکنین غزه، آن را نوعی «نسل‌کشی» تلقی می‌کند؛ همان‌گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری در قرار موقت (دادخواست آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی) در ژانویه ۲۰۲۴ م. آن را به رسمیت شناخت.^۲ به‌علاوه، این موضوع در شورای امنیت و هم در قطعنامه نشست ویژه شورای حقوق بشر و نیز در سخنان کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل صراحتاً ذکر شده است.^۳

از سوی دیگر، با توجه به این‌که رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۷ م. با پیروزی حماس در نوار غزه، با انتشار بیانیه‌ای پایان اشغال خود را اعلام و نیروهایش را از غزه خارج کرد مدعی بود که به‌همین دلیل، دیگر قدرت اشغالگر محسوب نمی‌شود، اما از آنجایی که کماکان اداره کامل نوار غزه و گذرگاه‌ها را در دست دارد و محدودیت‌هایی را بر ورود و خروج کالا به‌ویژه سوخت و برق غزه تحمیل می‌کند، از منظر حقوق بین‌الملل اشغال

1. UNGA Resolution 2787 (XXVI) (1971), 6 December 1971, UN Doc. A/RES/2787(XXVI), para. 1.

2. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel) 26 January 2024.

3. Falk Statement in Special Session of Human Right Council, 9 Jan. 2009.

قدرت اشغالگر محسوب می‌شود و حق مقاومت برای مردم غزه و جنبش‌های آزادی‌بخش و گروه‌های مقاومت برقرار می‌باشد.

در حقیقت، خروج فیزیکی از غزه، تنها شکل کنترل رژیم غاصب صهیونیستی بر غزه را از حضور فیزیکی به حصر کامل تغییر داد و پس از خروج، رژیم صهیونیستی همچنان کنترل مؤثر و مستقیم مرزهای زمینی، هوایی و دریایی غزه را حفظ کرده است و غزه همچنان برای ورود غذا و دارو، و تأمین آب، برق، سوخت، ارتباطات و سایر امکانات ابتدایی خود به رژیم صهیونیستی وابسته است. این‌ها در کنار مسائلی از قبیل: بیکاری، فقر گسترده و محرومیت شدید سکنه از امکانات ابتدایی زندگی است.

دولت اشغالگر طبق حقوق بین‌الملل اشغال و از جمله کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ وظایفی را در خصوص تأمین امنیت و نیازهای مردم این سرزمین بر عهده دارد. ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم مجازات دسته‌جمعی غیرنظامیان را ممنوع کرده و اعمال تحریم‌های اقتصادی بر ساکنان نوار غزه توسط رژیم صهیونیستی مصداق بارز مجازات دسته‌جمعی و بنابراین نقض حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود.

وفق حقوق اشغال، سکنه سرزمین اشغالگر هیچ‌گونه تعهد وفاداری به قدرت اشغالگر ندارند. به‌علاوه طبعاً اشغال نظامی خارجی همواره با مقاومت جمعیت سرزمین اشغالی روبه‌رو شده است. این مقاومت، نه‌تنها امری ناپسند نیست؛ بلکه برعکس، به‌عنوان موضوعی میهن‌پرستانه و شرافتمندانه همواره مورد تقدیر قرار گرفته است. بی‌تردید فلسطینی‌ها هم به‌عنوان سکنه سرزمین اشغالی، آن‌هم اشغال طولانی‌مدت و پیش‌رونده، حق مقاومت در برابر قدرت اشغالگر را دارند. آن‌ها حق دارند در سرزمین ملی خود آزادانه و به دور از حصر و فشار، زندگی کرده و حق تعیین سرنوشت خود را اعمال کنند. هیچ‌کس نمی‌تواند منکر حق ملت فلسطین به مقاومت در برابر اشغال نظامی خارجی باشد. در اینجا، منطقه خاکستری حقوق بین‌الملل در مبارزه گروه‌ها و جنبش‌ها علیه استعمار خارجی و اشغالگری است. چراکه هنوز تمایز بین "تروریست‌ها" و "مبارزان آزادی" بین رویکرد کشورها روشن نیست و معمولاً در مورد این مفاهیم اختلاف‌نظر وجود دارد. اما باید به این نکته توجه کرد که «حق بر مقاومت و توسل به اقدامات مسلحانه توسط

مبارزان آزادی» در جهت اعمال «حق تعیین سرنوشت» خود می‌باشد، درحالی‌که اقدامات تروریست‌ها معمولاً در جهت اهداف و اغراض سیاسی انجام می‌گیرد.

در ۹ ژوئیه ۲۰۰۴، دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود با استناد به منشور ملل متحد، قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، کنوانسیون‌های حقوق بشری و حقوق بشردوستانه به ارزیابی مشروعیت ساخت دیوار پرداخت و اعلام کرد که ساخت دیوار در سرزمین اشغالی فلسطین غیرموجه بوده و لازم است که فوراً متوقف شود و رژیم صهیونیستی نیز باید به جبران خسارات وارده بپردازد. به نظر دیوان بین‌المللی دادگستری، سایر دولت‌ها نیز متعهد به عدم شناسایی این وضعیت، رفع موانع اعمال حق تعیین سرنوشت و تضمین رعایت مقررات کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ بوده و شورای امنیت ملل متحد نیز موظف است اقدامات دیگری را نیز در این خصوص اتخاذ نماید.

اعمال فشارهای شدید و طولانی‌مدت بر سکنه سرزمین‌های اشغالی فلسطین از طریق نقض‌های مکرر و گسترده مقررات حقوق بین‌الملل ناظر بر سرزمین‌های اشغالی و اصرار بر نادیده گرفتن حقوق سکنه اشغالی باعث برانگیختن خشم مردم فلسطین شده است. استمرار اشغال و محاصره غزه، توسعه شهرک‌سازی در کرانه باختری، بیت‌المقدس و ضمیمه‌سازی تدریجی سرزمین‌های فلسطینی، اعمال تدابیر شدید امنیتی علیه فلسطینی‌ها هم در کرانه باختری و هم در غزه و ممانعت از اعمال «حق تعیین سرنوشت» خود، اقداماتی بودند که جنبش‌ها و گروه‌های مبارز را بر آن داشت تا از طریق مقاومت مسلحانه حق خود را استیفا کنند. پیامدهای این خواسته‌ها، حملات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ از سوی جنبش حماس علیه رژیم صهیونیستی بود که بلافاصله نیروهای رژیم صهیونیستی، «محاصره کامل نوار غزه و آغاز عملیات نظامی سنگین» را علیه بیمارستان‌ها، مدارس، اماکن مذهبی و آموزشی و زیرساخت‌های آب، برق و سوخت غزه آغاز کردند.

فجایع بشردوستانه و کشتار بی‌رحمانه در سراسر نوار غزه، شورای امنیت سازمان ملل را بر آن داشت تا با صدور قطعنامه ۲۷۱۲ مورخ ۱۵ نوامبر ۲۰۲۳ و قطعنامه ۲۷۲۰ مورخ

۲۲ دسامبر ۲۰۲۳ خواستار توقف حملات و ایجاد دسترسی به کمک‌های بشردوستانه فوری در نوار غزه به مدت کافی شود و از دبیرکل خواست تا گزینه‌هایی برای نظارت مؤثر را بر اجرای آن را شناسایی کند.^۱ کمیسیون مستقل بین‌المللی تحقیق، پیرامون اراضی اشغالی فلسطین در ۱۰ اکتبر ۲۰۲۳ با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد درحال جمع‌آوری شواهدی از جنایات جنگی است. کمیسیون از دولت‌ها، افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها دعوت کرده است تا اطلاعاتی را در مورد جنایات احتمالی ارتکاب‌یافته که توسط طرفین درگیر از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ انجام‌شده را گزارش کنند. این موارد شامل موارد زیر است:

(۱) حملات علیه غیرنظامیان و اشیاء غیرنظامی،

(۲) گروگان‌گیری،

(۳) استفاده از غیرنظامیان از جمله کودکان به‌عنوان سپر انسانی،

(۴) مجازات دسته‌جمعی،

(۵) گرسنگی،

(۶) تجاوز به عنف و سایر اشکال خشونت.^۲

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

حقوق اشغال به‌طور کلی بخشی از حقوق بشردوستانه بین‌المللی یا حقوق درگیری مسلحانه تلقی می‌شود. هدف اساسی حقوق اشغال این است که حداقل استانداردهای بشردوستانه را برای مردم در سرزمین‌های تحت اشغال فراهم کند و به‌طور کلی از غیرنظامیان بر اساس حقوق بین‌الملل بشر محافظت کند و قدرت اشغالگر را ملزم به تکالیف متعدد نماید. در زمان اشغال، حاکمیت سرزمین به اشغالگر منتقل نمی‌شود و به‌معنای استمرار وضعیت و ماندگاری آن نیست. مبنای اساسی رژیم حقوقی اشغال این است که هرگونه الحاق ادعایی یا توافق برای الحاق نیز فاقد اثر قانونی است و وضعیت اشغال را تغییر نمی‌دهد.

1. S/RES/2712. 15 November 2023 , S/RES/2720 . 22 December 2023.

2. Commission of Inquiry, <https://www.ohchr.org/en/press-releases /2023/10/commission-inquiry-collecting-evidence-war-crimes-committed-all-sides-israel>.

مشروعیت چنین مقاومتی در اسناد و منابع مختلف حقوق بین‌الملل (بشر و بشردوستانه) مورد شناسایی قرار گرفته است. مجمع عمومی سازمان ملل بارها و بارها مشروعیت «مبارزه» جنبش‌های آزادی‌بخش و گروه‌های مقاومت را تأیید کرده است. اساس این مشروعیت را شاید به وضوح در «اعلامیه مجمع عمومی درباره اصول روابط دوستانه ۱۹۷۰» و «قطعنامه تعریف تجاوز ۱۹۷۴» یافت. بر اساس این اسناد و رویه قضایی بین‌المللی، قدرت اشغالگر نمی‌تواند «حق تعیین سرنوشت مردم» را نادیده بگیرد و از مقاومت مشروع مردم تحت اشغال برای دستیابی به آزادی و استقلال خود ممانعت کند.

استیفای «حق بر مقاومت» تنها با شیوه‌ها و ابزار مسالمت‌آمیز مقدور نیست و گاهی راهی جز توسل به زور باقی نمی‌گذارد؛ زیرا این حق نوعی دفاع از خود به صورت جمعی توسط مردم است. همچنین چنین حقی نه‌تنها توسط حقوق بشردوستانه بین‌المللی منع نشده است؛ بلکه بر اساس آن، مردم تحت اشغال تعهدی به وفاداری به قدرت اشغالگر ندارند و برای «تعیین سرنوشت خود» مجاز به توسل به زور مسلحانه در برابر یک قدرت اشغالگر هستند. از این رو، دولت‌ها و بسیاری از حقوقدانان استدلال می‌کنند که «حق تعیین سرنوشت» و «حق بر مقاومت مسلحانه» دو روی یک سکه هستند. مردم فلسطین، جنبش‌های آزادی‌بخش و گروه‌های مقاومت حق دارند برای «حق تعیین سرنوشت خود با تمام ابزارهای موجود» در برابر قدرت اشغالگر اقدام کنند و «از حق مقاومت مسلحانه و مشروع» برای استیفای این حق برخوردار هستند. محروم کردن مردم از چنین حقی به معنای انکار «حق برابری و کرامت انسانی» و برخلاف منشور ملل متحد است. مشروعیت توسل به اقدامات مسلحانه و مقاومت ناشی از اعمال غیرقانونی قدرت اشغالگر، فقدان اراده جامعه بین‌المللی برای احقاق حقوق مردم تحت اشغال، و موقعیت نامتقارنی است که مردم تحت سلطه و انقیاد در آن قرار گرفته‌اند، می‌باشد.

در خصوص اعمال حق تعیین سرنوشت از سوی مردم تحت استعمار و اشغال نظامی در پرتو قطعنامه ۲۶۲۵ و «اعلامیه اصول روابط دوستانه» (۱۹۷۰) ما را به این نتیجه‌گیری رهنمون می‌سازد که؛

(۱) «وظیفه» و «تکلیف» دولت‌ها است که از هر اقدام قهرآمیز علیه مردم مستعمرات و مردم سرزمین‌های غیرخودمختار در راستای محروم کردنشان از اعمال حق تعیین سرنوشت، خودداری نمایند.

(۲) اعمال این حق از سوی مردم سرزمین‌های مزبور یک تعهد و وظیفه نیست، بلکه یک امکان است که به مردم تحت استعمار و سرزمین‌های اشغالی اجازه می‌دهد از هر وسیله و ابزاری (از جمله سلاح) برای دفع تجاوز استفاده نمایند.

(۳) کشورهای ثالث موظف هستند مشروعیت مقاومت مردم فلسطین را به رسمیت بشناسند و دولت رژیم صهیونیستی موظف است از آزار و اذیت فلسطینیان به دلیل مقاومت مشروع خودداری کند. به علاوه، رژیم غاصب صهیونیستی نمی‌تواند این‌گونه اشکال مبارزه مسلحانه و مقاومت را به عنوان دلایلی که نقض قواعد بین‌المللی قلمداد نموده و با توسل به اصل «دفاع از خود» ادامه تهاجم و تجاوز خود را ضروری تلقی کرده و یا آن را توجیه سازد.

با عنایت به موارد فوق، پیشنهاد می‌گردد در راستای اعمال قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل، و همچنین رویه قضایی بین‌المللی و به منظور احیای حقوق از دست‌رفته مردم مظلوم فلسطین، باید ارکان سیاسی و قضایی بین‌المللی نیز موارد زیر را در اسناد آتی خود بگنجانند و اجرای دقیق آن را با سازوکارهای حقوقی تضمین نمایند:

- قدرت اشغالگر نباید به اقدام قهرآمیز و نظامی علیه مردم تحت استعمار و مردم ساکن در سرزمین‌های اشغالی متوسل شود و از هرگونه جابجایی جمعیت و گروه‌های قومی در قلمرو تحت کنترل خود پرهیز نماید.
- مردم تحت اشغال برای اعمال حق تعیین سرنوشت با هیچ مانع حقوقی و سیاسی روبرو نباشند.
- به جنبش‌های آزادی‌بخش و گروه‌های مقاومت این اجازه داده شود که در راستای استیفای حق تعیین سرنوشت خود از هر وسیله و ابزاری (از جمله سلاح) استفاده نمایند.

منابع

الف - فارسی

- احمدی نژاد، مریم؛ امین‌الرعا، یاسر؛ و محسن متاجی (۱۳۹۹). «تحول مفهومی اشغال از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر وضعیت اراضی غزه»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۰ (۳)، ۷۰-۴۱.
- سیاه‌رستمی، هاجر (۱۳۹۰ ب). «اشغال انتقالی از منظر حقوق بین‌الملل»، *نشریه تحقیقات حقوقی*، ۵۴ (۵)، ۴۷۴-۴۳۵.
- سیاه‌رستمی، هاجر (۱۳۹۰ الف). *حقوق بین‌الملل اشغال و کارایی آن در حمایت از افراد*. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.
- حبیب‌زاده، توکل (۱۳۹۵). «ابتنای مقاومت مردم فلسطین بر حق تعیین سرنوشت و تعهدات جامعه بین‌المللی در قبال آن»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۶ (۴)، ۸۲۵-۸۵۴.
- حسینی، محمدرضا (۱۴۰۲). «پیامدهای حقوقی به‌کارگیری هوش مصنوعی در تسلیحات نظامی: چالش‌های نوین فراروی حقوق مخاصمات مسلحانه»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، ۳۲ (۱۲۴)، ۶۷-۴۵.
- اخوان خرازیان، مهناز (۱۳۸۸). «اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمه اخیر نوار غزه»، *فصلنامه حقوقی بین‌المللی*، ۲۶ (۴۰)، ۶۹-۴۱.
- کثیری، مژگان (۱۳۹۵). *اشغال از منظر حقوق بین‌الملل و تأکید بر وقایع آن*. تهران: انتشارات شاپرک سرخ.
- کنافانی، ج. (۱۹۸۲). *ادبیات مقاومت در فلسطین اشغالی ۱۹۴۸-۱۹۶۶*. بیروت: مؤسسه تحقیقات عرب.

ب - انگلیسی

- Abi-Saab, Georges (1981). "Wars of National Liberation in the Geneva Conventions and Protocols", (M Nijhoff).
- Akehurst, Michael (1987). *A Modern Introduction to International Law*. Routledge; Sixth Edition.
- Amnesty International (2015). "Unlawful and deadly: Rocket and mortar attacks by Palestinian armed groups during the 2014 Gaza/Israel conflict", March 26, 2015.

- Beaumont, Peter (2021). “*ICC opens investigation into war crimes in Palestinian territories*,” The Guardian.
- Cassese, Antonio (1995). “Self -Determination of Peoples, A Legal Reappraisal”, (PP. 37-50), *ACR- OTIUS PUBLICATION*, Cambridge University Press 1st Published in 1995, 2nd.
- Crawford, James (1996). “A. Cassese: Self -Determination of People, A Legal Reappraisal”, *Book Review*, 90 *Ajil*, p 331.
- Cuyckens, H (2015). *Revisiting the law of occupation*. Dissertation, University of Leuven, Leuven.
- Eliav Liebllich and Eyal Benvenisti (2022). *Occupation in International Law*. Oxford University Press.
- Ferraro, Tristan (2012). “Determining the beginning and end of an occupation under international humanitarian law”, *International Review of Red Cross*, 94 (885).
- Knut, Dörmann; Laurent, Colassis (2004). “International Humanitarian Law in the Iraq Conflict”, *47 German Yearbook of International Law*.
- Kuper, Leo. (1985). “The Right to Self –Determination: Issue Raised”, *tamilnation*, Cited on: www.tamilnation.org.
- Manirakiza, Pacifique (2019). “Towards a Right to Resist Gross Undemocratic Practices in Africa”, *Journal of African Law*, 63 (1), 81–105.
- Moris, Halim (1997). “Self-Determination: An Affirmative Right or Mere Rhetoric?”, *ILSA Journal of International & Comparative Law*, 4 (1), cited on: www.Tamilnation.org.
- Kane, Alex (2023). “Noura Erakat interviewed by Alex Kane”, Unpacking Israel’s Legal Fictions,” *Jewish Currents*, July 14.
- Noura, Erakat (2019). “Justice for Some: Law and the Question of Palestine”, *Stanford University Press*, 111.
- Palestine Center for Policy and Survey Research (2023). “*Public Opinion Poll*. No 87,” March 23.
- Samson, Elizabeth (2010). “Is Gaza Occupied?: Redefining the Status of Gaza Under International Law”, *American University International Law Review*, 25 (5).
- Scheffer, D. (2003). “Beyond occupation law”, *American Journal of International Law*, 97 (4), 26-62.
- Sigler, John (2004). “Palestine: Legitimate Armed Resistance vs. Terrorism”, *Electronic Intifada*, May 17.
- Ved P. Nanda. (1996). “*Revisiting Self - Determination As An International Law concept: A Major Challenge in the post cold war era*”, Adapted version of a presentation at the American Branch of the Int’l Law Associationes Int’l Law Weekend, New York.

(ج) اسناد بین‌المللی

- Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel) 26 January 2024.
- A/Res/2625, 24 oct. 1970, Annex.
- AFSC Middle East Task Force, “Palestinian Nonviolent Resistance to Occupation Since 1967”, Fall 2005.
- Amnesty International, Amnesty International Report 2014/15 to the State of Israel.
- Article 4 (2) Geneva Convention Relative to the Treatment of Prisoners of War (Third Geneva Convention), 12 August 1949, 75 UNTS 135.
- Commission of Inquiry, <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2023/10/commission-inquiry-collecting-evidence-war-crimes-committed-all-sides-israel> East Jerusalem’ UNGA Resolution ES-10/14 (2003) preamble.
- ECOSOC Res. I: E/RES/1990/11 (24 May 1990).
- Falk Statement in Special Session of Human Right Council, 9 Jan. 2009.
- Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, 1949.
- Goldstone report, the European Union (EU); EU Heads of Missions’ Report on Gaza, 2013
- Hague Convention (II) with Respect to the Law and Customs of War on Land, 1899. Hague Convention (IV) Respecting the Laws and Customs of War on Land, 1907.
- Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) Notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970), Advisory Opinion (Separate Opinion of Judge Ammoun) [1971] ICJ Rep 16 (ICJ), at 70.
- Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, [1996] ICJ Rep 3, at 254-255, para. 70.
- Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (1977), 1125 UNTS 3.
- Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), June 8, 1977.
- Regulations Annexed to The Hague Convention (IV) Respecting the Laws and Customs of War on Land, 1907, Art. 43.
- S/RES/2712. 15 November 2023 , S/RES/2720 . 22 December 2023.

- The Cabinet Resolution Regarding the Disengagement Plan, 6 June 2004.
- The Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples. UN Doc. A/RES/1514(XV) (14 December 1960)
- The Disengagement Plan—General Outline, 18 April 2004.
- The Report ‘International humanitarian law and the challenges of contemporary armed conflicts’, document prepared by the International Committee of the Red Cross, Geneva, October 2015., p. 12.
- UN DOC. A/CN.4/SER.A/2001/Add.1 (Part 2), AT 109.
- UNGA Res. 3103(XXVIII) (1973)
- UNGA Resolution 2105(XX) (1965), 20 December 1965, UN Doc. A/RES/2105(XX), para. 10
- UNGA Resolution 2625(XXV) (1970), 24 October 1970, UN Doc. A/RES/2625(XXV).
- UNGA Resolution 2649(XXV) (1970), 30 November 1970, UN Doc. A/RES/2649, para 1.
- UNGA Resolution 2787 (XXVI) (1971), 6 December 1971, UN Doc. A/RES/2787(XXVI), para. 1.
- UNGA Resolution 3070(XXVIII) (1973), 30 November 1973, UN Doc. A/RES/3070, para. 2
- UNGA Resolution 32/14 (1977), 7 November 1977, UN Doc. A/RES/32/14, para. 2.
- UNGA resolution 3237, “Observer status for the Palestine Liberation Organization,” November 22, 1974.
- UNGA resolution 3314, “Definition of Aggression,” December 14, 1974.
- UNGA resolution 37/43, “Importance of the universal realization of the right of peoples to self-determination and of the speedy granting of independence to colonial countries and peoples for the effective guarantee and observance of human rights,” December 3, 1982.
- UNGA Resolution 38/36 (1983), 1 December 1983, UN Doc. A/RES/38/36A-E, para. 4
- UNGA Resolution 43/21 (1988), 3 November 1988, para. 1
- UNGA, Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Cooperation among States (24 October 1970) UN Doc. A/RES/2625)XXV).
- US Land Warfare Field Manual (July 1956), Washington DC, 15 July 1976, para. 351
- Western Sahara, Advisory Opinion, [1975] ICJ Rep 12 (ICJ), para. 104.

